

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبداللطیف صدیقی للندری
کانادا – ۲۹ دسمبر ۲۰۰۹

کربلا برپا بود اندر وطن

کربلا برپا بود اندر وطن
هموطن از درد می نالد همیشه
هموطن در گیر و در کام نهنگ
غرق طوفان بلا کرد این وطن
سینه هر هموطن پر غم بود
رهبران اندر وطن دست شر است
هموطن در آتش سوزان بود
هموطن در دام تزویر است و شر
خشک گشته بار و برگ هموطن
روح او پرواز آزادی کند
ظالمان کی در وطن محکوم بود؟
از سر ما تا به پا در خون بود
هر طرف ظلم و ستم بر پا بود
کن نظر بر مادر خشکیده لب
"رهبران" اندر وطن منفور بود
سوز دل دارم به تو فرمان روا
واپسین او ناله ها سر میکند
قطره های اشک و غم تا کی بود؟
همچو مرغی می پرد بر بام تو
می نگر همکشوران غرق نفاق
مردمان آغشته با رنج و محن
چند گیرند بار غربت را به پیش؟
هست اسیر پنجه خونین جنگ
دشمن سفاک این بسوم و دمن
دیده از درد وطن پر نم بود
مردمان از حرف شان ناباور است
دست امیدش چه حد لرزان بود
با دل خالی، تن بی بار و بر
نا شگفته غنچه لـرزان تن
ناله های زار بر بـادی کند
هر کجا بینی به غم، مظلوم بود
نو جوان کشته شده گلگون بود
میهنم چون محشر کبرا بود
زار نالد بی وطن در روز و شب
تخته تابوت شان کی دور بود؟
نیست با سوز دلم کس همنا
شور آزادی چه باور میکند
ناله و درد و الم تا کی بود؟
جان او در جست و جوی نام تو
بی وطن، بی خانمان، بی اتفاق

اندرین گرداب کس دل شاد نیست
سوز ها در سینه سوزان بود
کشت و خون ازین وطن پایان نیافت
آه مظلوم تا سما پیچیده است
تا به کی نالیم از درد و محن؟
ای خدا تازه بکن باغ وطن
لطف فرما بر "لطیف" بینوا
نالہ های زار او از دل بود
از دل پرشور و بی حاصل بود
هیچ راحت اندرین بنیاد نیست
منزل من منزل جنانان بود
کس به حال زار مظلومان نتافت
نالہ ها اندر هوا باریده است
ای خدا چاره نما درد وطن
سبز گردان دامن و راغ وطن
نالہ هایش نیست از روی ریا
از دل پرشور و بی حاصل بود
رخش پر شور دلش را رام ساز
میهنش آسوده و آرام ساز